



# نقش امام اکسن عسکری (ع) در تفسیر قرآن

حجة الاسلام محمد عابدی

## ■ نسبت بداء به خداوند

از جمله انحرافهایی که برخی با توجه بر آیات قرآن مانند: آیات مربوط به تعویض قبله، مرتکب شده‌اند، مسئله نسبت دادن بداء به خداوند است. امام عسکری (ع) با روش روایی و بیان شأن نزول، این شبهه را چنین می‌زداید: امام حسن عسکری (ع) می‌فرمود: زمانی که پیامبر خدا (ص) در مکه بود، خدای متعال فرمان داد در نمازش رو به سوی بیت المقدس کند و کعبه را میان خود و آن قرار دهد، اگر ممکن شود. و اگر ممکن نشد، رو به بیت المقدس کند، هر طور که شد.

پیامبر خدا (ص) در طول سیزده سالی که در مکه بود، چنین کرد. چون به مدینه رفت، در آنجا پایبند بود رو به بیت المقدس باشد، رو به آن کرد و هفده یا شانزده ماه از کعبه روی برگرداند. گروهی از سرکشان یهود شروع کردند به گفتن اینکه: «به خدا قسم! محمد نمی‌داند چگونه نماز می‌خواند، او به قبله ما رو می‌کند و در نمازش شیوه و عبادت ما را پیش گرفته است.»

وقتی سخن آنها به گوش پیامبر خدا (ص) رسید، بر او سخت آمد و از قبله آنان خوشش نیامد و کعبه را دوست داشت. حضرت جبرئیل نیامد. پیامبر فرمود: ای جبرئیل دوست دارم خداوند مرا از بیت

مسئله قدیم بودن قرآن و... بیودایم. امام عسکری (ع) خود را پاسدار قرآن می‌دانست و در مقابل این شبهات، به زدودن غبار از چهره قرآن و عیان کردن واقعیت آن می‌پرداخت.

## ■ قدیم بودن قرآن!

ابوهاشم می‌گوید با خودم گفتم دوست دارم بدانم ابومحمد عسکری (ع) درباره قرآن چه می‌گوید آیا آفریده شده یا نه؟ در حالی که قرآن غیر خداست؟ حضرت روبه من کرد و فرمود: آیا حدیث امام صادق (ع) به تو نرسیده است که فرمود: «وقتی قل هو الله احد نازل شد، خداوند برای آن چهار هزار بال آفرید. پس بر هر گروهی از فرشتگان که می‌گذشت، همه در برابرش فروتنی می‌کردند و می‌گفتند این نسب (شناسنامه) پروردگار متعال است. (۱) امام عسکری (ع) به نقل ابن شهر آشوب، همچنین در جواب ابوهاشم (قرآن آفریده است یا نه؟) فرمود: ابوهاشم خداوند آفریدگار هرچیز است و هرچه جز او آفریده است. (۲) امام عسکری (ع) طبق این دو روایت به روش روایی و نیز قرآنی پاسخ شبهه قدیم بودن قرآن را داده است.

## ■ جلوه‌هایی از پاسداری و

### مرزبانی از قرآن

امام حسن عسکری (ع) علاوه بر تفسیر آیات الهی و انجام وظیفه تعلیم، تربیت و آموزش قرآنی و تفسیری، در صحنه فکر و عمل به «پاسداری از قرآن» و «مرزبانی از شریعت با قرآن» نیز می‌پرداخت. اینک جلوه‌هایی از تلاش مقدس آن امام را به نظاره می‌نشینیم.

### الف: پاسداری از قرآن

از زمان نزول قرآن همیشه شبهات و سؤالاتی پیرامون برخی آیات قرآنی یا کل قرآن مطرح بوده است، جدای از منشأ خیر اندیشانه یا مانع تراشانه این سؤالات و شبهات، باید گستردگی آن را مرتبط با رویکرد علمی، فلسفی، فقهی و... در هر عصر نسبت به قرآن دانست.

از این روی در عصر برخی امامان مثل امام عسکری (ع) و قبل از آن امام صادق (ع) و... شاهد شبهاتی گسترده که گاه پیامدهای اجتماعی و سیاسی مهمی هم داشت مانند

چه بر  
مویض  
دادن  
(ع) با  
بچه را  
ی (ع)  
ر مکه  
رو به  
خود  
ممکن  
بر که  
لی که  
رفت،  
باشد،  
کعبه  
یهود  
سپس  
ه قبله  
ما را  
یامبر  
قبله  
شت.  
ای  
سیت

المقدس رو به کعبه برگرداند. آنچه از سوی یهودیان نسبت به قبله خود به گوشم می‌رسد، آزارم می‌دهد. جبرئیل گفت: از خدا بخواه رویه کعبه‌ها برگرداند، او خواسته‌ها را رد نمی‌کند و تو را از درخواستت محروم نمی‌سازد. چون دعایش به پایان رسید، جبرئیل بالا رفت. پس از ساعتی برگشت و گفت: بخوان ای محمد «قد نری تقلب وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فقولوا وجوهکم شطره...»<sup>(۳)</sup> می‌بینیم که صورتت را به سوی آسمان بر می‌گردانی. پس تو را به قبله‌ای خواهیم گرداند که آن را بیسندی. پس چهره‌ها را به سوی مسجد الحرام برگردان و هر جا که بسوید، صورت‌هایتان را به طرف آن برگردانید.»

یهودیان در آن هنگام گفتند: «چه چیزی آنان را از قبله‌ای که داشتند، برگرداند...»<sup>(۴)</sup> خداوند بهترین پاسخ را به آنان داد: «قل لله المشرق والمغرب...»<sup>(۵)</sup> بگو مشرق و مغرب از آن خداست.»

امام حسن عسکری (ع) فرمود: گروهی از یهود نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای محمد! این قبله بیت المقدس است که چهارده سال به سوی آن نماز خواندی، اکنون چرا ره‌ایش کردی؟ آیا آنچه پیش‌تر می‌کردی حق بود که به باطل رو کردی؟ چرا که آنچه مخالف حق باشد، باطل است. یا قبله نخستین باطل بود. پس در این مدت بر باطل بوده‌ای. پس چه چیزی ایمن می‌دارد که اکنون بر باطل باشی؟ پیامبر فرمود: آن حق بود، این هم حق است. خداوند می‌فرماید: «قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم؛ بگو مشرق و مغرب مال خداست. هر که را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. ای بندگان خدا! اگر خدا صلاح شما را در روی کردن به مشرق بداند، به آن فرمان می‌دهد و اگر در مغرب بداند، به آن فرمان می‌دهد و اگر در غیر این دو بداند به همان دستور می‌دهد. پس تدبیر الهی را درباره بندگان و اراده او را در مصلحت خودتان انکار نکنید.

سپس پیامبر به آنان فرمود: شما کار و تلاش را در روز شنبه تعطیل کردید و در روزهای دیگر انجام دادید باز هم شنبه

تعطیل کردید و پس از آن کار کردید، آیا حق را رها کرده و به باطل روی آوردید یا باطل را ترک کرده و به حق روی آوردید؟ یا باطل را به سوی باطل یا حق را به سوی حق ترک کردید؟ هرگونه که خواستید بگویید، همان سخن و پاسخ پیامبر به شماست. گفتند: کار نکردن در شنبه حق است کار کردن پس از آن هم حق است. پیامبر فرمود: قبله بودن بیت المقدس در آن وقت حق بود و قبله بودن کعبه در این وقت حق است.

به او گفتند: ای محمد در نماز به سوی بیت المقدس، برای فرمان پروردگارت به عقیده خودت «بداء» و تغییر نظر پیش آمده که تو را به سوی کعبه برگرداند؟ فرمود: نظر خدا عوض شد، او سرانجامها را می‌داند و بر مصلحتها تواناست، نه بر خود، کار غلطی را جبران می‌کند و نه رأی تازه‌ای بر خلاف نظر پیشین می‌یابد. او منزّه از این است مانعی هم برای او از انجام خواسته‌اش پدید نمی‌آید. تغییر نظر برای کسی است که چنین باشد و او از این صفات منزّه است.

سپس فرمود: ای قوم یهود! از خدا به من خیر دهید آیا بیمار نمی‌کند، سپس سلامتی می‌دهد، تندرست نمی‌کند، سپس بیمار می‌کند، آیا نظرش برگشته؟ آیا زنده نمی‌کند و نمی‌میراند؟ (آیا شب را پس از روز و روز را پس از شب نمی‌آورد؟) آیا در همه اینها نظرش برگشته است؟ گفتند: نه فرمود: همین گونه خداوند پیامبرش محمد را فرمان داد به سوی کعبه بازگردد. پس از آنکه او را فرمان داده بود به سوی بیت المقدس نماز بخواند و در فرمان اول نظرش عوض نشد... خداوند در وقتی به خاطر مصلحتی که دارد به شما فرمان می‌دهد، در وقت دیگر به خاطر مصلحت دیگری دستور دیگری می‌دهد. اگر در هر حال خدا را اطاعت کنید، شایسته پاداش می‌شوید...»<sup>(۶)</sup>

■ تناقض آیات قرآن

شواهد فراوانی بر «تفسیر قرآن با قرآن» از زمان ائمه تا کنون در دست است. مانند معنای لیس علیکم جناح در «اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاة» که امام باقر (ع) بر اساس آن نماز مسافر را واجب دانست شکسته باشد و

(لا جناح را به معنای وجوب) معنا می‌کردند و دلیل آن را با آیه دیگری «فمن حج البیت او اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما» توضیح می‌دادند که در آن فلاجناح به معنای وجوب است و طواف حج واجب است.<sup>(۷)</sup> و به طور مرسل از پیامبر نقل شده است که القرآن یفسر بعضه بعضاً؛<sup>(۸)</sup> اما روایاتی هم هست که توهّم مخالفت با روش قرآن به قرآن دارد، مانند حدیث امام صادق (ع) که «قال ابی ماضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر» پندرم فرمود هیچ کس بعضی از قرآن را به بعضی دیگر نزد مگر اینکه کافر شد.<sup>(۹)</sup> محققان معتقدند شاید منظور از این ضرب القرآن، همان تناقض گیری‌هایی از قرآن است که در زمان امام علی (ع) و امام عسکری (ع) زندگیها تجماع می‌دادند. آنان مثل روش قرآن به قرآن، آیات را در مقابل هم قرار می‌دادند، اما به جای تلاش برای فهم ارتباط و مناسبت آیات، به القای تناقض در آنها دامن می‌زدند.<sup>(۱۰)</sup> حکایت اسحاق کندی نمونه روشنی از این گرایش است. این شهر آشوب از ابوالقاسم کوفی در کتاب تبدیل چنین نقل می‌کند: اسحاق کندی که در زمان خود فیلسوف عراق بود، مشغول تألیف کتابی درباره «ناقض قرآن» شد. وی خود را به آن مشغول و در خانه‌اش آغاز به تحقیق و تألیف کرد. روزی که یکی از شاگردانش خدمت امام عسکری رسید، حضرت پرسید: آیا میان شما مرد رشیدی نیست که استادان کندی را از کاری که درباره قرآن به آن مشغول است، یاز دارد؟ وی گفت: ما شاگردش هستیم چگونه شایسته است که در این مورد یا موارد دیگر به او اعتراض کنیم؟ امام فرمود: اگر چیزی به تو بگویم، به او می‌رسانی؟ گفت: آری. فرمود: نزدش برو و با او هم صحبت شو و در کارها کمکش کن وقتی خوب رفیقش شدی؛ بگو: مسئله‌ای برایم پیش آمده است که می‌خواهم بپرسم. او از تو خواهد خواست که سؤالت را بپرسی. آن وقت بپرس: اگر سخنگوی به این قرآن و صاحب این سخن (خدا) پیش تو بیاید، آیا ممکن است بگوید مقصودش از این گفته‌ها چیزی غیر از آن است که تو می‌پنداری؟ او خواهد گفت: آری، ممکن و روانست. چون خدا کسی است که اگر

بشود، می‌فهمد وقتی این را پذیرفت، بگو: چه می‌دانی، شاید مقصودش غیر از آن باشد که تو فهمیده‌ای؛ آنگاه معنایی بر خلاف مقصودت خواهد شد آن شخص نزد کندی رفت و هرآنچه امام فرموده بود، اجرا کرد. تا اینکه سؤالش را مطرح کرد. وی گفت: تکرار کن. لو تکرار کرد. اسحاق پیش خود اندیشید و متوجه شد که در لغت چنین احتمالی هست. و در نظر هم شدنی است. گفت: تو را قسم می‌دهم بگو این نکته را از کجا می‌گویی؟ گفت: چیزی بر دلم گذشت، با تو در میان گذاشتم. اسحاق نپذیرفت و گفت، تو و کسی که هم اندازده تو باشد، به این نکته نمی‌رسد بگو از کجا این را فهمیده‌ای؟ گفت: ابومحمد (امام عسکری(ع)) چنین فرامم داد گفت: اینک راست گفتی. این سخن جز از چنان خاندانی بر نمی‌آید. سپس آتش خواست و هرچه را نوشته بود، سوزاند. (۱۱)

### ■ سؤال از فلسفه آیات

کلینی از اسحاق بن محمد نخعی نقل می‌کند که فهقی از امام حسن عسکری(ع) پرسید چرا زن بی‌نواهی ضعیف یک سهم می‌گیرد، اما مرد دو سهم؟ (این اعتراض به حکمی است که نص قرآن است: لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَى) (۱۲) امام عسکری فرمود: اِنَّ الْمَرْءَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَلَا نَفَقَةٌ وَلَا عَلَيْهَا مَعْقَلَةٌ اِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجُلِ؛ (۱۳) زن نه وظیفه جهاد دارد، نه نفقه و نه دیه خطای، خویشان بر عهده اوست. اینها بر عهده مردان است.

پیش خودم گفتم به من گفته شده بود که ابن ابی العوجا همین مسئله را از امام صادق(ع) پرسیده بود و حضرت همین جواب را داده بود. امام عسکری(ع) فرمود: آری این مسئله، مسئله ابن ابی العوجا است. هرگاه سؤال یکی باشد. جواب ما نیز یکی است. برای آخرین ما همان جاری است که بر اولین ما. و اولین ما و آخرین ما در دانش برابر است و پیامبر خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) فضیلت خاص خود را دارند. (۱۴)

درباره فلسفه روزه نیز که نص قرآنی دارد، امام فرموده است: تا ثروتمند، سختی و

گرسنگی را بیاید و به فقیر عاطفه و مهرورزی کند. (۱۵)

### ■ سؤال از اخذ میثاق الهی

ابوهاشم می‌گوید: نزد ابو محمد(ع) بودم که محمد بن صالح ارمنی درباره معنی آیه: «وَاذْخُرْ بِكُم مِّنْ بَنِي آدَمَ مَن ظَهَرَ وَهَمَّ ذَرِيَّتُهُمْ وَآسَهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا» (۱۶) و آن گاه که پروردگارت از نسل فرزندان آدم، ذریه آنها را برگزفت و آنها را بر (خدایی) خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: آری ما گواهی می‌دهیم. حضرت فرمود: با این کار معرفت به خدا محقق شد و آن زمان را فراموش کردند، ولی آن را به یاد خواهند آورد و گرنه کسی نمی‌دانست آفریدگار و روزی دهنده‌اش کیست؟ (۱۷)

### ■ سؤال از مرگ

احمد بن حسن حسینی می‌گوید: از امام حسن عسکری(ع) پرسیدند مرگ چیست؟ (یک واژه قرآنی) امام فرمود: تصدیق و باور به چیزی که نمی‌شود. پدرم از پدرش از امام صادق(ع) روایت کرد: هرگاه مؤمن بمیرد، مرده نیست. همانا کافر مرده است خداوند می‌فرماید: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» (۱۸) مرده را از زنده بیرون می‌آورد. یعنی مؤمن را از کافر و کافر را از مؤمن. (۱۹)

### ■ سؤال از برگزیدگان خدا

ابوهاشم جعفری می‌گوید از امام عسکری(ع) درباره این آیه پرسیدم: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمَنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمَنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنَ اللَّهُ» (۲۰) سپس کتاب را به میراث کسانی رسانیدیم که ایشان را از بندگان خود برگزیدیم، پس برخی از آنان به خویش ستمگر بودند و برخی میانه رو بودند و بعضی به اذن خدا در کارهای نیک پیشتاز بودند.»

امام فرمود: همه از خاندان محمد اند. آن که بر خود ستم کرده، کسی که به امام اعتراف ندارد و میانه رو کسی است که امام را بشناسد و پیشتاز کارهای نیک به اذن خدا، امام است. (۲۱)

ب: مرزبانی از شریعت با قرآن

بخشی از شخصیت قرآنی امام را باید در مقابله‌اش با مسائل و مشکلات اعتقادی و فکری از طریق قرآن شناخت. امام عسکری(ع) برای هر مسئله‌ای، پاسخی شایسته از قرآن ارائه می‌کند و به این وسیله جلوی بسیاری از انحرافات را از لحاظ مبنایی سد می‌کند:

رَدِّ غَسْلُو نَسَبٍ بِهٖ اِثْمُهُ بَا: بَلْ عِبَادِ مَكْرُمُونَ لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ...:

ادریس بن زیاد کفر تو ثابمی می‌گوید: درباره آنان و ائمه، بسیار اقرار می‌کردم. روزی برای دیدار ابومحمد(ع) روانه سامرا شدم و خسته از راه سفر وارد شهر شدم. خود را به پلکان حمامی افکندم و خواب مرا در ربود. با ضربه عصای مخصوص ابومحمد(ع) بیدار شدم. آن بزرگوار را شناختم و به پاخاستم و در حالی که سوار بود و غلامان پیرامونش را گرفته بودند، پشت پا و زانوی حضرت را یوسیدم. این نخستین برخورد من با حضرت بود. امام به من فرمود: ای ادریس «بل عباد مكرمون لايسقونہ بالقول و هم بامرہ يعملون» (۲۲) بلکه آنان (فرشتگان) بندگان مقرب خداوند و در گفتار بر او سبقت نمی‌گیرند و به فرمان او عمل می‌کنند.

عرض کردم: مولای من! همین مطلب مرا بسنده است و من تنها برای این که همین را از شما بیپرسم، خدمتان آمده بودم. امام(ع) با این پاسخ قرآنی وی را متوجه کرد که حتی فرشته‌ها نیز فرمان بر خداوند و از خود اختیاری ندارند. ائمه تیز بندگان خداوند و بنابراین نباید آنان را از شان بندگی خارج کرد و با غلو و بزرگ نمایی شأن الهی به آنان داد.

رَدِّ مَفْوُضَةٍ بَا: وَ مَا تَشَاوَنَ الْاِاَنَ يَشَاءُ اللّٰهُ

مفوضه معتقدند خداوند حضرت محمد(ع) را آفرید و آفرینش دنیا را به وی سپرد و هرچه در دنیاست او آفریده است. همین طور گفته‌اند: این کار به علی(ع) سپرده شده است. (۲۳)

راوندی می‌گوید گروهی از مفوضه کامل بن ابراهیم مدنی را نزد ابومحمد(ع) فرستادند. وی می‌گوید: وارد شدم و کنار در که پرده‌ای داشت، نشستم. در همان حال

بادی  
کودکی  
و حدود  
کامل  
بگویم  
سخن  
بلکه د  
هرگاه  
می‌فرم  
امام  
نشسته  
رد  
یشک  
اب  
عسکری  
چنان ع  
می‌کند،  
رینا ما  
پروردگا  
حدیثی  
نقل کرد  
می‌خوان  
خداوند  
گفت: و  
سخن ز  
ناخشنو  
چنان م  
«اِنَّ اللّٰهَ  
ذلک ل  
نمی‌آمر  
می‌آمرز  
روایت  
رد  
(بمحو)  
شی  
می‌کند  
عسکری  
یشاء و  
آنچه را  
اصل ک  
جز آنچه  
را نبود  
پیش  
هشام  
نشود ز

بادی وزید و گوشه‌ای از پرده کنار رفت. کودکی را دیدم که چون پاره ماه می‌درخشید و حدود چهار سال داشت. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! به خود لرزیدم و الهام شد که بگویم: بله مولای من! فرمود: آمده‌ای درباره سخن مفوضه بپرسی؟ آنان دروغ می‌گویند بلکه دل‌های ما ظرف‌های خواست الهی است. هرگاه او بخواهد ما هم می‌خواهیم؛ خدا می‌فرماید: «و ما تشاؤون انا ان یشاء الله» (۲۵) امام عسکری (ع) به من فرمود: چرا نشسته‌ای پاسخت را داد. برخیز. (۲۶)

رد عفو مشرکان با: ان الله لا یسفر ان یشرك به و یغفر مادون ذلك لمن یشاء ابوهاشم می‌گوید: شنیدم امام عسکری (ع) می‌فرمود: خداوند در روز قیامت چنان عفو می‌کند که بر دل بندگان خطور می‌کند، تا آنجا که مشرکان می‌گویند: «والله ربنا ما کتا مشرکین» (۲۷) سوگند به خدا، پروردگاران، ما مشرک نبودیم. به یاد حدیثی افتادم که یکی از شیعیان از اهل مکه نقل کرده بود که: پیامبر خدا این آیه را می‌خواند: «ان الله یغفر الذنوب جمیعا» (۲۸)

خداوند همه گناهان را می‌بخشد. مردی گفت: و هر کسی را که شک ورزد. از آن سخن ناخشنود شدم و نسبت به آن مرد ابراز ناخشنودی کردم و در حالی که پیش خود چنان می‌گفتم، امام رو به من کرد و فرمود: «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر مادون ذلك لمن یشاء» (۲۹) خداوند شرک را نمی‌آمرزد و جز آن را برای هرکه بخواهد می‌آمرزد. او بد سخن گفت: و بد چیزی روایت کرد. (۳۰)

رد محدودیت در علم خدا با تفسیر (یمحوا الله ما یشاء)

شیخ طوسی از ابوهاشم جعفری نقل می‌کند که محمد بن صالح ارمینی از امام عسکری (ع) درباره این آیه (یمحوا الله ما یشاء و یشیت و یشیت و عنده ام الکتاب) (۳۱) خدا آنچه را بخواهد محو می‌کند و ثابت می‌کند و اصل کتاب نزد اوست. پرسید: امام فرمود: جز آنچه را که بوده، محو می‌کند؟ و جز آنچه را نبوده ثابت می‌کند؟

پیش خودم گفتم این بر خلاف گفته هشام بن حکم است که خداوند چیزی را تا نشود نمی‌داند! امام به من نگریست و

فرمود: خداوند عظیم الشان که پیش از وجود اشیاء به آنها علم دارد، از این اوهام برتر است. اوست آفریدگار قبل از هر آفریده و پروردگار قبل از پرورش یافته و توانا و قادر قبل از وجود قدرت.

مبارزه با اسرائیلیات در مورد هاروت و ماروت با آیه (لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون)

صندوق از یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن یسار از پدر این دو چنین نقل می‌کند: به امام حسن عسکری (ع) گفتیم گروهی نزد ما فکر می‌کنند هاروت و ماروت دو فرشته بودند که ملائکه آن دو را برگزیدند و چون گناه بنی آدم زیاد شد، خداوند آن دو را با فرشته سومی به دنیا فرستاد. آن دو فریفته زهره شدند و خواستند با او رما کنند و شراب نوشیدند و انسان گشتند و خدا آن دو را در بابل عذاب می‌کند و جادوگران از آن دو جادو می‌آموزند و خداوند آن زن را به صورت این ستاره که زهره است مسخ کرد. امام فرمود: پناه به خدا از این سخن! فرشتگان خدا معصومانند و به لطف الهی از کفر و کارهای زشت مصون‌اند. خداوند درباره آنان می‌فرماید: «لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون» (۳۲) خدا را در آنچه فرمانشان داده نافرمانی نمی‌کنند و هرچه به آنان امر شود، انجام می‌دهند. و نیز می‌فرماید: «له من فی السموات و الارض و من عنده لا یتسکرون عن عبادته و لا یتسحسون» (۳۳) آنچه در آسمانها و زمین است و آنکه نزد اوست، یعنی فرشتگان، برای اوست. از عبادت او نه تکبر می‌ورزند و نه خسته می‌شوند شب و روز او را تسبیح می‌کنند و سست نمی‌شوند. و نیز درباره فرشتگان می‌فرماید: «بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون یعلم ما بین یدیهیم و ما خلفهم و لا یشفعون الا لمن ارتضی و هم من خشیته مشفقون» (۳۴) بلکه بندگان مورد احترام‌اند. در گفتار بر خدا سبقت نمی‌گیرند و به فرمانش عمل می‌کنند، آنچه را پیش روی آنان و پشت سر ایشان است، می‌دانند و جز برای کسی که او بیسندد، شفاعت نمی‌کنند و آنان از خشیت الهی در هراس‌اند.»

سپس فرمود: اگر چنان بود که می‌گویند، باید خداوند آن فرشته‌ها را جانشین خود در زمین قرار داده باشد و در دنیا مثل پیامبران یا امامان باشند. آنگاه از پیامبران و امامان کشتن انسان و زنا سر بزنند؟ آیا نمی‌دانی خدای متعال هرگز زمینی را از پیامبر یا امامی از جنس بشر خالی نگذاشته است. آیا خدا نمی‌فرماید: «ما پیش از تو پیامبری به سوی مردم نفرستادیم مگر مردانی از اهل آبادیها که به آنان وحی می‌کنیم» (۳۵) پس خبر داده که فرشتگان را برای امام و حاکم بودن به زمین نفرستاده است بلکه آنان را به سوی پیامبران فرستاده است. (۳۶)

■ ■

بی‌نوشت‌ها:

۱. الخراج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۸۶ ج ۶
۲. المناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۳۶
۳. سوره بقره، آیه ۱۳۴
۴. همان، آیه ۱۳۲
۵. همان
۶. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۸۱ ج ۲۵
۷. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۲۸ باب ۲۲ از ابواب صلوٰة مسافره، ج ۲
۸. مطالعه بیشتر، رک: به: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۹۲
۹. کافی، ج ۲، ص ۳۳۲ بخارالانوار، ج ۸۹، ص ۳۹
۱۰. روایات مفصلی در بخارالانوار آمده است که شاید منظور از روایت ضرب القرآن جوف به این افراد باشد. بخارالانوار، ج ۹۰، ص ۹۸-۱۳۳
۱۱. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۳۴
۱۲. سوره نساء، آیه ۱۱
۱۳. کافی، فروغ، ج ۷، ص ۸۵ کتاب الملویت باب علة کیف صار للذکر سهمان و للاتی سهمیه، ج ۲
۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۸۱ ج ۶
۱۵. سوره اعراف، آیه ۱۷۳
۱۶. کشف القم، ج ۳، ص ۲۰۹، اثبات الوصیة، ص ۳۴۱
۱۷. سوره روم، آیه ۱۹
۱۸. معانی الاخبار، ص ۳۶۰، ج ۱۰ (این پاسخ در واقع تفسیر روایی آیه نیز است)
۱۹. سوره فاطر، آیه ۳۲
۲۰. التلکب فی المناقب، ص ۵۶۶ ج ۵۰۶
۲۱. سوره تنبیه، آیه ۲۶
۲۲. بسا خورشید سامرا، ص ۸ و ۲۶۲ به نقل از: بخارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳
۲۳. با خورشید سامرا، ص ۲۶۶ به نقل از شرح باب حدی عشر، ص ۹۹ بخارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۳۲
۲۴. سوره انسان، آیه ۳۰
۲۵. با خورشید سامرا، ص ۲۶۶، به نقل از القیمة، ص ۱۴۸
۲۶. سوره انعام، آیه ۳۳
۲۷. سوره زمر، آیه ۵۳
۲۸. سوره نساء، آیه ۴۸
۲۹. الخراج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۸۲ ج ۷
۳۰. سوره زمر، آیه ۳۹
۳۱. اثبات الوصیة، ص ۳۴۱، کشف القم، ج ۳، ص ۲۱۰
۳۲. سوره تحریم، آیه ۶
۳۳. سوره تنبیه، آیه ۱۹
۳۴. همان، آیه ۲۶-۲۸
۳۵. سوره یوسف، آیه ۱۰۹
۳۶. معین اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۳۳، ذیل ج ۱